



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد در رشته ی فرهنگ و زبانهای باستانی

بررسی متن پهلوی دینکرد ششم از بند ۱ تا ۲۸۹ به همراه  
آوانویسی، حرف نویسی، ترجمه و ارائهی واژهنامه ریشه شناسانه

به کوشش

فاطمه دیده خورشید

استاد راهنما

دکتر فرخ حاجیانی

دی ماه ۱۳۹۰



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا

## اظہارنامہ

اینجانب فاطمہ دیدہ خورشید دانشجوی رشته‌ی فرهنگ و زبانهای باستانی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی اظہار میکنم کہ این پایان نامہ حاصل پژوهش خودم بودہ و در جاهایی کہ از منابع دیگران استفادہ کردہام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشتہام. همچنین اظہار میکنم کہ تحقیق و موضوع پایاننامہ ام تکراری نیست و تعہد مینمایم کہ بدون مجوز دانشگاه دستاوردهای آن را منتشر ننمودہ و یا در اختیار غیر قرار ندهم. کلیہ حقوق این اثر مطابق با آییننامہ مالکیت فکری و معنوی متعلق بہ دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی : فاطمہ دیدہ خورشید

تاریخ و امضا : ۱۳۹۰/۱۱/۱۱



به نام خدا

بررسی متن پهلوی دینکرد ششم از بند ۱ تا ۲۸۹ به همراه  
آوانویسی، حرف نویسی، ترجمه و ارائه‌ی واژه‌نامه ریشه شناسانه

به وسیله‌ی  
فاطمه دیده خورشید

پایان نامه  
ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی  
از فعالیت های تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی :  
فرهنگ و زبان‌های باستانی

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه : عالی

دکتر فرخ حاجیانی ، دانشیار بخش فرهنگ و زبان های باستانی ( استاد راهنما)

دکتر گلنار قلعه خانی، استادیار بخش فرهنگ و زبان های باستانی

دکتر حسین نجاری ، استادیار بخش فرهنگ و زبان های باستانی

دی ۱۳۹۰

## سپاسگزاری

سپاس خداوندگار رحمان ورحیم که برحمت بیکرانش راه علم اندوزی را بر من گشود و مرا در این دریای پهناور مورد رحمت وهدایت خود قرار داد. برخود میدانم که در این مسیر سبز، از سروران و بزرگوارانی که من را ملوی و رهنمود کردند قدردانی نمایم.

از استاد عزیزم آقای دکتر فرخ حاجیاری که به عنوان استاد راهنمای این پژوهش با صبر و دلسوزی و دقت نظر چراغ راهم بودند، و استادان گرامیم خانم دکتر گلنار قلعه‌خانی و آقای دکتر حسین نجاری که با رهنمودهای سازنده‌شان روشنیبخش این مسیر بودند و خانم دکتر کتایون نمیرانیان که در طول سالهای تحصیل از هیچ رهنمودی دریغ نکردند .

## تقدیم به

پدر و مادر عزیزم که در طول سالهای تحصیل همواره همراه و مشوقم بودند و همچنین همسر خوبم که در ادامه این راه با همکاری و صبر خود مرا طوی داد .

## چکیده

بررسی متن پهلوی دینکرد ششم از بند ۱ تا ۲۸۹ به همراه آوانویسی،

حرفنویسی، ترجمه و ارائه ی واژهنامه ریشه شناسانه

به کوشش

فاطمه دیده خورشید

دینکرد ششم که موضوع این پژوهش است، یکی از نه کتاب دینکرد و بزرگترین اندرزنامه زبان پهلوی است و از نظر محتوا جزء دانشنامه‌های دینی محسوب میشود که تألیف آن در سده‌های نخستین اسلامی صورت گرفته است. کل آن را گزیده‌های از "برش نسک" / اوستا میدانند که در برگیرنده‌ی تعلیم و اعتقادات زردستی و آگاهی و دانشهای قدیمی و کهن است. مطالب آن از منابع گوناگون استخراج شده است و نمیتوان آن را به یک نویسنده ی مشخص نسبت داد. دینکرد که به معنای "تألیف دینی" است، به خط پهلوی نگاشته شده که جزء زبانهای ایرانی میانه غربی است. متنهای بازمانده از زبان فارسی میانه از لحاظ بررسی واژگان، بسیار گسترده و از بعضی جهات ناشناخته‌اند و به بررسی، ترجمه و تجزیه و تحلیل نیاز دارند. در این پژوهش که به شیوه کتابخانه‌ای است، متن پهلوی به ترتیب حرفنویسی، آوانویسی و ترجمه شده و در نهایت توضیح ریشه شناسانه‌ی کلمات متن بر اساس فرهنگهای زبان پهلوی موجود قرار گرفته است. در متن پهلوی سعی بر تصحیح متن بوده و آوانویسی و حرف نویسی بر اساس این متن تصحیح شده صورت گرفته است. با بررسی اینگونه متنها به خط و زبان پهلوی نه تنها با بایدها و نبایدهای اخلاقی و دینی نیاکانمان آشنا میشویم که حتی هنوز هم پس از گذشت سالها میتوانند راه را از بیراه برای ما نمایان سازند، بلکه ردپای زبان فارسی میانه را نیز که در پیوندی ناگسستنی با زبان کنونی ماست میتوانیم در آنها جستجو کنیم.



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: مقدمه
۲	۱-۱- کلیات
۸	۲-۱- هدف تحقیق
۸	۳-۱- اهمیت تحقیق
۹	۴-۱- مروری بر تحقیقات انجام شده
۱۰	۵-۱- روش تحقیق
۱۳	فصل دوم: حرف نویسی
۵۵	فصل سوم: آوانویسی
۱۰۰	فصل چهارم: ترجمه فارسی
۱۵۴	فصل پنجم: واژه نامه ریشه شناسانه
۳۵۵	فصل ششم: نتیجه گیری و پیشنهادها
۳۵۷	- فهرست منابع
۳۵۷	- منابع فارسی
۳۵۹	- منابع لاتین
۳۶۰	- پیوست
۴۲۴	- چکیده به زبان انگلیسی

## فهرست نشانه‌های اختصاری

.....ر.ک. = رجوع کنید به

.....قس = قیاس کنید

# فصل اول

## مقدمه

### ۱-۱- کلیات

با سقوط تیسفون پایتخت ساسانیان توسط سپاه اسلام، ایران در شرف یک تغییر اساسی در اصول فرهنگی و اجتماعی و از همه مهم تر در زمینه دینی قرار گرفت؛ فرهنگ و مذهبی که ایران در طول قرن‌ها با آن نظام یافته بود. این موضوع سبب شد که پیشوایان دین کهن ایران برای حفظ دین خود به فکر جمع آوری و مکتوب کردن اصول آن بیفتند.

"آذر فَرَنْبَغِ فَرَّخَزَادَان" (Ādur Farrōbāy Farroxxādān) پیشوای بزرگ دین زردشت، از جمله کسانی بود که در عمر خلافت "مأمون" خلیفه عباسی (۱۹۸-۲۱۸ ه. ق. ۸۱۳-۸۳۳ م.) به فکر گردآوری و تدوین اصول دین زردشت افتاد. او که شخصیت شناخته شده‌ای در تاریخ زرتشتیان داشت، به عنوان موبدان موبد در فارس و دانشمند معتبر زرتشتی مطرح بوده است و مجموعه روایاتی منسوب به وی و اندرزهایی از او در دست است.

این اثر، یک محصول اجتماعی و فرهنگی و ایرانی بود که تحت تأثیر اسلام قرار داشت و

بنابراین برآن بود که هم پاسخی باشد به حملات و انتقادات مسلمانان نسبت به ثنویت زردشتی و هم چکیده‌ای که بتواند خود را نجات بخش کتاب مقدس / اوستا معرفی کند (ژینیو، ۱۳۸۴: ۳۰۵).

این کتاب که به حق "دانشنامه‌ی مزدیسنا" نامیده شده، با عنوان دینکرد معروف است. معنی تحت اللفظی آن "تألیف دینی" است و دین در این کلمه و بسیاری موارد دیگر در مفهوم روایت و کتاب دینی / اوستا و زند است و معنی واقعی کلمه "گردآوری و تدوین" میباشد (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۲۸).

پس از "آذر فَرَنْبَغِ فَرَّخَزَادَان" این کتاب برای پسرش "زردشت" به یادگار ماند، که باز هم در اثر حوادثی نامعلوم، دچار آشفستگی و پراکندگی شد تا اینکه شخصی به نام "آذر باد ایمیدان" (Ādurbād ī Ēmētān) که از زندگی او به عنوان آخرین گردآورنده‌ی در خور توجه این کتاب اطلاع چندانی نداریم، دوباره این اثر را گردآوری کرد. "آذر باد ایمیدان" این اثر را تألیفی میداند مبتنی بر الهام دین مزدیسنا، دینی که مزین به همهی دانشهاست و زردشت این دین را به پیروان خویش آموخت. او این اثر را پس از آن که دچار آشفستگی و پراکندگی

شد، گردآوری کرد و آن را "دینکرد هزار فصل" نامید. او سرگذشت تدوین مطالب دینکرد را درست همانند تدوین کتاب *اوستا* میدانند و آن را الهام خدا به زردشت می‌شمارد که نسل به نسل با وجود مصائب گوناگون بدو رسیده است (همان، ۱۳۸۳: ۱۲۹).

این دائرةالمعارف معروف پهلوی و تفسیر بزرگ اوستای ساسانی به پهلوی در اصل مشتمل بر نه کتاب بوده است، که موضوعات مختلف در آن بنا به گفتهی "وست" (west) با به کار گیری ۱۶۹۰۰۰ واژه بیان شده‌اند که کتابهای اول و دوم آن به‌طور کلی و بخشی از کتاب سوم آن از میان رفته است.

دینکرد در درجه اول، دفاعیه زردشتیان است، تقریباً به طور خاص، کتابهای سوم تا پنجم به دفاعیهی منطقی، کتاب ششم به اخلاقیات و کتاب های هفتم تا نهم به یزدان شناسی تفسیر گرایانه اختصاص دارند (ژینیو، ۱۳۸۴: ۳۰۵).

"چنین به نظر میرسد که مطالب کتابهای سوم و چهارم و پنجم دینکرد که بیشتر جنبه جدلی و کلامی و فلسفی دارند، تألیف "آذرفرنبغ فرخزادان" بوده است و "آذر باد ایمیدان" آن-ها را به صورت نهایی تدوین کرده و نام خود را در آخرین فصل کتاب سوم آورده است" (آموزگار- تفضلی، ۱۳۸۶: ۱۹).

کتاب سوم دینکرد با ۴۲۰ فصل بزرگ ترین کتاب دینکرد محسوب میشود و در کل بحث و جدلی است که علیه دینهای بد شکل گرفته است و جزء اندرزهای دینی محسوب میشود و به ادبیات اندرزی تعلق دارد (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۳۱-۱۳۳).

منتخبی از آیین نامه "آذر فرنبغ فرخزادان" در کتاب چهارم دینکرد دیده میشود. مطالب آن مشابه کتاب سوم دینکرد است، اما از نظر جنبه‌ی جدلی و منطقی ضعیفتر است. این کتاب مشکل تر از کتابهای دیگر این مجموعه است و دریافت مطالب آن به آسانی میسر نیست (همانجا).

کتاب پنجم دینکرد به دو بخش تقسیم میشود: در ابتدا پاسخهای "آذر فرنبغ فرخزادان" در کتاب موسوم به *سمران* به سؤالات "یعقوب خالدان" آمده است و سپس در قسمت دوم پاسخ های همان دانشمند به سی و سه سؤال "بخت ماری" قرار گرفته است (همانجا).

و اما کتاب ششم دینکرد که مورد بحث ماست اندرزهای پهلوی را در بر میگیرد و بزرگ ترین مجموعه‌ی اندرزهای دینی و اخلاقی به شمار می‌آید و کل آن را گزیده‌هایی از "برش نسک" کتاب دینی زرتشتیان *اوستا* میدانند. بنابر جمله‌های که اندرزه‌ها با آن شروع میشود

کتاب به شش بخش تقسیم شده است. بنا به نظر "شاکد" (Shaked)، این قسمت از کتاب دینکرد، دانشنامه خلاصه و موجزی است از تعالیف و اعتقادات زرتشتی و آگاهی و دانشهای قدیمی و کهن که انتخاب موضوعات آن بر مبنای سنت شفاهی است؛ و حتی اینچنین به نظر میرسد که بعضی از آنها به دوران کهنتر نیز باز گردند. این کتاب علاوه بر اینکه بزرگ ترین اندرز نامه است یکی از مهمترین مجموعههای سخنان اندرزی در زبان پهلوی نیز محسوب می - شود.

در مجموع میتوان در کتاب ششم دینکرد دو نوع مختلف از اندرزها را مشاهده کرد، یکی نصیحت و اندرز عملگرایانه و دیگری نصیحتی که بیشتر ویژگی و مشخصه مذهبی و دینی دارند (شاکد، ۱۹۷۹: صفحه ۱۵ از مقدمه).

"ولی برخلاف اغلب اندرزهای دینی که بر آداب و اجرای مراسم تکیه دارند، در اندرزهای دینی این کتاب تأکید بر اندیشه و تفکر دینی است. بیشتر اندرزها بهکسی نسبت داده نشدهاند، اما بعضی نیز منسوب به شخصیتهای دوران ساسانی مانند: "خسرو انوشیروان"، "آذرباد مهرسپندان"، "آذر نرسه"، "بخت آفرید" و "آذر باد زرتشتان" میباشند" (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۳۵).

قبل از هر چیز باید به روش بیان اندرز در این کتاب توجه داشت که به طور مرتب پیش از شروع هر اندرزی به مخاطب یادآور میشود که این اندرز از گفتههای "پوریوتکیشان" است که در همان ابتدای کتاب با عنوان "دانایان پیشین" به خواننده معرفی شدند. این روش یعنی بهره گرفتن از گفتههای مقدس و گفتار برگزیدگان در سایر نوشتههای اندرزی هم به چشم میخورد.

در این اندرزنامه "دانایان پیشین" با لحنی آمرانه ولی بدون خشونت وبا ملایمت، به گفتن اندرز میپردازند. فعلهای به کار رفته در این متن به صورت غیر مستقیم ودر بعضی موارد به صورت مستقیم به مخاطب امر به انجام دادن یا ندادن کاری میکنند. اندرزها در غالب جملات ساده و کوتاه و در بعضی موارد برای قابل فهمتر کردن و ملموستر کردن آنها در خلال داستان یا چهارچوبی روایی بیان شدهاند.

در میان این اندرزها، اندرزهایی هستند که به صورت همگانی و خطاب به عموم مردم بیان شدهاند و دارای درونمایههایی هستند که تا به امروز دوام یافتهاند مانند خصلت جوانمردی، قانع بودن، پرهیز از افراط و تفریط و رعایت اعتدال، چشم به دنیا نداشتن و پاداش کار را از

مینو خواستن؛ اما در مقابل اندرزهایی هم وجود دارند که با مفاهیم خاص آن زمان پیوند دارند و به همین دلیل نیاز به تلاش بیشتری برای درک و فهم آنهاست.

در اندرزهایی از این کتاب که درونمایه‌ی دینی دارند گاهی کلمات و جملات و اصطلاحاتی به کار رفته‌اند که باید برگردان مناسبی برای آنها در فارسی نو یافت. از پر تکرارترین آنها میتوان به کلمه "کرفه" اشاره کرد که به معنای "کردار نیک" و "ثواب" میباشد.

دینکرد ششم در بعضی از قسمت‌ها منعکس کننده‌ی اندرزهایی از /اوستاست که به زبان و خط اوستایی به دست ما نرسیده‌اند و خلاصه‌های از آن در متون پهلوی از جمله همین دینکرد ششم قابل مشاهده است. پس دور از انتظار نیست که در این کتاب جملات و کلماتی دیده شوند که از شیوه معمول نگارش پهلوی کمی دور افتاده‌اند که این به سبب همان ترجمه‌هایی است که از /اوستا صورت گرفته است (شاکد، ۱۹۷۹: صفحه‌ی ۱۸-۱۷ از مقدمه).

درکل دینکرد ششم تدوین و تألیفی است که از منابع گوناگون استخراج شده و نمی‌توان آن را مجموعه‌های از گفتار همسان و همشکل پنداشت که بوسیله‌ی یک نویسنده‌ی مشخص نوشته شده باشند. و به دلیل وجود نویسندگان مختلف در قسمتهایی از این متن گاهی به بندهای تکراری نیز بر میخوریم.

گزیده‌هایی از بعضی از این مجموعه‌ها در آثار عربی و فارسی متأخر مانند *جاویدان خرد* نیز باز نموده شده است (ژینیو، ۱۳۸۴: ۳۰۶).

شاکد کتاب دینکرد ششم را به این ترتیب به شش قسمت تقسیم کرده است: بخش نخست، از ابتدای متن تا برگ A6d که به موضوعات دینی با تأکید بر پرهیزگاری فردی و تعبد در برابر ایزدان اختصاص یافته است. در بخش دوم از برگ B1 تا برگ B47، موضوعاتی چون آفرینش های اورمزد و اهریمن، خرد و دانایی، اعتدال و افراط را در بر می‌گیرد. بخش سوم، از برگ B48 تا برگ C47 به لحاظ موضوع با بخش دوم مرتبط است. بخش چهارم از برگ C48 تا C83، حول محور یک رشته صفات یا اعمال مختلف می‌گردد. بخش پنجم از برگ D1 تا برگ D12 مشتمل بر نامهای مؤلفان و حکایات آموزنده‌ی اخلاقی است و بالاخره آخرین بخش یعنی بخش ششم از برگ E1 تا برگ E45 مجموعه‌های از جملات قصار با درونمایه‌های گوناگون دینی است (همان‌جا).

هر بند از بند دیگر به وسیله‌ی جمله‌ی تکراری آغازینی جدا میشود که این شکل تقسیم بندی در ابتدا به وسیله‌ی سنجانا اولین ویراستار متن برای تقسیم بندی کتاب به قسمتهای

کوچکتر به کار رفته است. همین تقسیم بندی، با اندکی تغییر، در ویرایشی که شاکد از دینکرد ششم کرده، حفظ شده است (شاکد، ۱۹۷۹: صفحه ۱۹ از مقدمه). لازم به ذکر است که در این پژوهش نیز تقسیم بندی بندها بر اساس مرزبندی "شاکد" در این ویرایش، صورت گرفته است.

ترجمه‌های از سه نسک اوستایی با نامهای: سَپَند نَسک، چهرداد نَسک و وِشتاسَب (گشتاسب) (ساست را میتوانیم در کتاب هفتم دینکرد بیابیم که اصل اوستایی آنها و هم چنین ترجمه ی پهلوی آنها اکنون در دست نیست (ابولقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۳۵)). کتاب هشتم خلاصه‌های از اوستای ساسانی است و کتاب نهم شرح و تفسیر سه نسک از بیست و یک نسک اوستاست: سوَدَگر (یا سوَتگر) نَسک، وَرَشَت مَآنَسَر نَسک و بَغ نَسک (همان: ۱۳۸).

زبان و خط پهلوی که دینکرد با آن به نگارش در آمده است، به شاخه غربی زبانهای ایرانی تعلق دارد. که این زبانها خود به شاخه ی شمالی که در قلمرو پارتها یا اشکانیان به نام پهلوانیک، پهلوی اشکانی یا پارتی و شاخه جنوبی که زبان متداول در فارس و در دوره ساسانیان بوده است، تقسیم میشود. که زبان و خط دینکرد ششم به شاخه ی غربی - جنوبی این زبان تعلق دارد.

دانشمندان جدید این زبان را در مقایسه با فارسی باستان و فارسی جدید، فارسی میانه مینامند، ولی بنا بر سنت، نام آن پهلوی است (آموزگار- تفضلی، ۱۳۸۲: ۱۲). واژه‌ی پهلوی منسوب به پهلوی و از صورت ایرانی باستان "پَرثَو" (parθava) آمده است، که در اصل به سرزمین پارت اطلاق میشده و از نظر اشتقاق به معنی "زبان پارتی" است. آثاری که به این زبان نگاشته شده و بر جای مانده‌اند به دو خط اصلی نوشته شده‌اند؛ یکی خط سنگنوشته‌ها و سکه‌های اوایل دوره ساسانی است که دارای نوزده حرف است و به هم متصل نمیشوند که به آن خط منفصل و یا خط پهلوی کتیبه‌های میگویند؛ و دیگری خط متصل یا شکسته یا کتابی که مخصوص نوشتن کتابها و نوشته‌های روی پوست و پاپیروس و کتیبه‌ها و سکه‌های متأخر است و دارای چهارده حرف اصلی است که از راست به چپ نوشته میشود. نویسندگان دوره اسلامی آن را "رَم دبیره" یا "هام دبیره" یعنی خط مردم یا همگان می نامیدند (همان: ۴۳).



متن اصلی دینکرد در این پژوهش از چاپ مَدَن، که مورد استفاده اصلی در مطالعات کتاب دینکرد است و بر اساس نسخه B میباشد، تهیه شده است. با توجه به دستنویس بودن متن پهلوی، سعی بر این بوده که تا جایی که امکان داشته است، برای درک بهتر متن، کلماتی که از لحاظ نگارشی اشتباه بودند، با توجه به فرهنگهای معتبر لغات پهلوی تصحیح شوند. گاهی لازم بوده است که برای درک متن، کلماتی به آن اضافه یا از آن حذف شوند. کلماتی که گاهی به وضوح از قلم نویسنده متن پهلوی افتاده اند، که با توجه به متن و کلمات به کار رفته در آن، قابل تشخیص است. گاهی کلماتی تکرار شده یا بی مورد و بی معنی در متن گنجانده شده‌اند، که این کلمات یا تصحیح شده‌اند یا به ناچار از جمله حذف شده‌اند. حرفنویسی بر اساس متن تصحیح شده پهلوی و با کمک فرهنگهای معتبر زبان پهلوی نوشته شده است. و آوانویسی آن با استفاده از "روش مکنزی" صورت گرفته است. آوانویسی به "روش مکنزی" با بخشی از منابع و کتابهای منتشر شده پیش از آن متفاوت است و به شیوه‌های که به نام خود مؤلف معروف است یعنی "شیوه مکنزی" انجام شده است.

این روش آنچنان که از شواهد برمیآید، نشانگر چگونگی تلفظ کلمات در سده‌ی سوم میلادی، یعنی دوره شکوفایی شاهنشاهی ساسانی است (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۱۱).

در واژه نامه ریشه شناسانه‌ی این پژوهش که بر اساس حروف الفبای انگلیسی تنظیم شده، تلاش بر آن بوده است که تا جایی که فرهنگهای لغات موجود اجازه میداد، لغات ریشه شناسی شوند و سیر تحول آنها به فارسی نو بررسی گردد. در واژه نامه، آوانویسی و حرف نویسی کلمه رو به روی ترجمه فارسی آن آورده شده است. برای توضیح اشتقاق آن به این صورت عمل شده که نخست به‌گونه فرضی آن در ایرانی باستان پرداخته شده است و سپس به بررسی بازمانده‌های ریشه ایرانی باستان واژه در زبانهای دوره باستان یعنی اوستایی و فارسی باستان پرداخته و سپس معادل سنسکریت آن را همراه با ریشه هندواروپایی واژه مورد نظر آورده است، آنگاه گونهای هم ریشه واژه در زبانهای فارسی میانه ترفانی و پهلوی اشکانی برشمرده شده‌اند و این روند تا پازند و فارسی نو ادامه یافته است. برای جستجوی آسانتر واژه‌ها و همچنین تعیین موقعیت آنها در جمله، شماره‌ی بند یا بندهایی که این کلمه در آنها تکرار شده است، بعد از توضیحات مربوط به واژه، ذکر شده‌اند.

در نهایت لازم به‌ذکر است که در هر واژه نامه‌ی در زبان پهلوی کلماتی یافت میشوند که چگونگی آنها مبهم است. این ابهام میتواند در صورت یا معنی یا گاه در وجود خود کلمه

باشد. این واژه‌نامه نیز خالی از این کلمات نیست؛ هرچند که سعی بر آن بوده است که تا جای امکان این کلمات کاهش یابند.

## ۲-۱- هدف تحقیق

هدف از این پژوهش، شناساندن هرچه بیشتر و قابل فهمتر کردن قسمت ششم از مجموعه دینکرد از بند ۱ تا ۲۸۹ به زبان و خط فارسی امروزی بوده است. بهخصوص که روی این قسمت از کتاب دینکرد برخلاف بخشهای دیگر آن کمتر کار شده است و ترجمه جامع و کاملی از آن در فارسی ارائه نگردیده است. ارائهی آوانویسی به روش مکنزی و بهخصوص حرف نویسی، که نسخه‌های توضیحی قبلی فاقد آن میباشند، از اهداف دیگر این پژوهش است. علاوه‌بر ارائهی ترجمهی مستقل، لغات این اثر در واژه‌نامه‌های ریشه‌شناسانه مورد بررسی دقیق‌تر قرار گرفته‌اند.

## ۳-۱- اهمیت تحقیق

بررسی و بازخوانی این اثر تاریخی و دینی از چند جهت ضروری است. یکی اینکه، نباید تصور کنیم که فارسی میانه هیچ گونه نام و نشانی از خود در فارسی نو که زبان کنونی ماست، بهجای نگذاشته است. آشنایی با زبان مردمان آن زمان باعث میشود که به پیوند عمیق و ناگسستنی این دو زبان که یکی را میتوان پایه و اساس دیگری دانست، پی برد. و بررسی متون پهلوی باعث میشود این پایه و اساس زبان فارسی بهدست فراموشی سپرده نشود. و دیگر اینکه این اثر در شرایطی به نگارش در آمد که دین غالب دین اسلام بود و این دین جدید که روز به روز بر تعداد پیروانش افزوده میشود، موجب کم رنگ شدن دین کهن ایران گردید. این موضوع روحانیون زرتشتی را به فکر واداشت که آیین و اصول این دین را به صورت مکتوب در آورند تا آیندگان آن را بدست فراموشی نسپارند. مطالعه و بازخوانی این اثر باعث آشنایی هر چه بیشتر ما با اصول و قواعد دین زرتشتی میشود. چه بسا بررسی لغات و کلمات آن از لحاظ دستوری و

دقت در یافتن ریشه‌ی مناسب برای کلمات و در کل نگاهی دوباره به این اثر بدست خوانندگان و پژوهندگان متفاوت باعث درک و فهم بهتری از جملات و در نتیجه اصول و قواعد دین زردشت و مفاهیم اخلاقی خاصی که در قالب این جمله بندیها بیان شده اند، گردد و با ترجمه‌ی آن به زبان و خط فارسی امروزی دیگر ایرانیان را نیز از خواندن این اثر بسیار مهم که با زحمت بسیار نویسندگان آن در شرایط خاص آن زمان صورت گرفته و به سختی تا به امروز حفظ شده است، بهره مند نماییم.

#### ۱-۴- مروری بر تحقیقات انجام شده

نخستین ویرایش دینکرد را "دستور پشوتن بهرامجی سنجانا" انجام داده است. وی در طول عمرش هشت جلد از این کتاب را در سالهای ۱۸۶۹ تا ۱۸۹۷ میلادی منتشر نمود. با انتشار جلدهای نهم تا نوزدهم به دست پسرش داراب، در سال ۱۹۲۸ متن دینکرد کامل شد.

نخستین ترجمه‌های دینکرد را ل. س. کاسارتلی (L.C.Casartelli)، (برخی از فصلهای کتاب سوم) در سال ۱۸۸۶ و ی. و. وست (E.W.West) در سال ۱۸۹۷ م. (بخشی از آغاز کتاب پنجم و کتابهای هفتم تا نهم) را انجام دادند.

د. م. مدن (D. M. Madan)، در سال ۱۹۱۱ متن دینکرد را در دو جلد منتشر کرده بود .

در سال ۱۹۶۶ م. ج. درسدن (M.J.Dresden) دستنویس B را با افزودن برگهای مفقود شده به آن، به صورت عکسی به‌چاپ رسانید.

ج. دومناش (J. de Menasce) کل کتاب سوم را در سال ۱۹۵۸ م. به زبان فرانسوی برگردانده است.

م. موله (M.Molé) در سال ۱۹۶۷ م. کتاب هفتم و بخشی از کتاب پنجم را ترجمه کرده است.

شائول شاکد (S.Shaked) کتاب ششم دینکرد که موضوع اصلی این پایاننامه میباشد را در سالهای ۱۹۷۱-۱۹۷۸ به انگلیسی ترجمه و متن را آوانویسی نموده است. و کتاب ایشان در سال ۱۹۷۹ منتشر شد.

احسان کوشاطر در سال ۱۹۷۹ در مقدمه‌ای که بر کتاب شاکد نوشته است، درباره وضعیت

اجتماعی و فرهنگی ایران در زمان تألیف دینکرد توضیحاتی ارائه میدهد. وی موضوعات مختلف نه کتاب دینکرد را مطرح کرده و به تشریح قسمتهای مختلف دینکرد ششم می-پردازد.

احمد تفضلی و ژاله آموزگار در سال ۱۳۸۵ کتاب پنجم و برخی از بخشهای کتابهای هفتم و نهم را به فارسی برگرداندهاند  
قطعات بیشماری را ه. و. بیللی (H. W. Bailey) و ر. چ. زنر (R. C. Zaehner) ترجمه و تفسیر کرده‌اند

ف. ژینیو (Philippe Gignoux) در سال ۱۹۹۶ در مقاله خود با عنوان دینکرد توضیحاتی راجع به کتابهای مختلف دینکرد و موضوعات آنها ارائه داده است.  
تیمور قادری در سال ۱۳۸۲ قسمتهایی از دینکرد ششم را به صورت ترجمه در سه مقاله با عنوان های " گفتار راستین دانایان در دایره المعارف اخلاق ایرانی ( دینکرد ششم ) با چهل گفتار از این اثر فارسی میانه " ( از ۴۳۳ تا ۴۷۷ ) و هم چنین " پنندهای نخستین دانایان در دایره المعارف مزدیسنا ( دینکرد ششم ) همراه با پنجاه گفتار از این اثر فارسی میانه " ( از ۳۷۷ تا ۴۳۲ ) و نیز " دمی با پیشینیان و نخستین دانایان " آورده است .  
راشد محصل در سال ۱۳۸۹ به ترجمه ، آوانویسی و حرف نویسی دینکرد هفتم پرداخته و برای آن واژهنامه بسامدی ارائه داده است.

## ۱-۵- روش تحقیق

شیوه تحقیق در این پژوهش کتابخانه‌ای و به‌صورت فیش برداری از کتابهای مختلف است که با مراجعه به کتابهای گوناگون و بررسی و گردآوری مطالب مناسب که مورد تحقیق ماست، صورت گرفته است. این مطالب از کتابهای مختلف نویسندگان ایرانی و غیر ایرانی تهیه شده و متن اصلی پهلوی اساس کار قرار گرفته است. در مورد بحث دستوری و ریشه شناسانه سعی شده است کتابهای جدیدتری که در مورد دستور زبان پهلوی است، استفاده گردد. در مورد لغات به این صورت عمل شد که به هر یک از آنها یک فیش اختصاص یافت و با استفاده از معتبرترین شیوه آوانویسی، آوانویسی آن انجام شد و همچنین حرفنویسی در